

مستی ما از غدیر خم است

حامد حجتی

صهباي غدیر خم، مست از نام علی، مست از لطافت چشمان با طراوت مردی که تپش قلب ما شیعه‌ها با نبض ملکوتی اون کوک می‌شه / یا علی مدد

ستاره دنباله‌دار

یک برنامه تلویزیونی مکتوب
مجری: محمد حسن جوادپور

پلاتو سوم / مجری با حالتی که قرار است یک حادثه را روایت کند

همه جمع شده بودند دریایی از مردم دور تا دور اقیانوس چشم‌های پیامبر موج می‌زد تا چشم کار می‌کرد نگاه‌هایی بود که بر لب‌های یاقوتی پیامبر دوخته شده بود. ابرها هم گوش می‌کردند صدای بال فرشته‌ها هم موسیقی متن این صحنه جاودانه بود ناگهان سکوت همه جا را گرفت:

«من کنت مولا فلهذا علی مولا»

صدای دف بود و هلهله که زمین و زمان رو پر کرده بود. از دست‌های روشن پیامبر که بازوان سبز مولا رو به سمت آسمان کشیده

پلاتو اول / مجری شاداب / با لبخندهای

زیبا و حرکتی سر حال و شاداب
وقتی نام امیرمؤمنان
علی علیه السلام

روی زبان آدما

نقش می‌بندد آدم احساس

می‌کنه روی ابرها داره راه می‌ره و حالا

که ما می‌خواهیم توی این برنامه روی ابرهای

باصفای نام علی علیه السلام راه ببریم بذارید با تمام وجود فریاد بزنیم

/ بسم الله الرحمن الرحيم

بـود

خطی نورانی به

سمت ابدیت کشیده شده بود.

همه چشم‌ها تصویر بزرگ‌ترین رخداد

تاریخ رو ثبت می‌کرد سلمان و ابوذر در پوست

خودشون نمی‌گنجیدن / تمام سختی‌ها آسان شده بود. چقدر دنیا

قشنگ بود رنگین‌کمانی از عشق سرتاسر غدیر خم رو پر کرده بود

خیلی از چشم‌ها بودن که تاب تحمل دیدن نورانیت این لحظات رو

نداشتن اما هر چی بود عشق بود و عشق بود و عشق.

پلاتو چهارم / مجری از درون یک هیئت صحبت می‌کند

نقل و شیرینی بین بچه‌ها دست به دست می‌چرخید / یک لحظه

خنده از روی لب‌ها پاک نمی‌شد همه شاد بودند سید علی میکروفون

برداشت و گفت: «هر کسی محب علی هر چه در توان داره بریزه توی

پلاتو دوم / مجری با چشم‌های شاداب و تصویری که حرکت

می‌کند سعی می‌کند بیشتر برای القاء حرف‌ها از صورتش و

ویژگی‌های صورتش استفاده کند.

راستش بخواید ما عاشقای حضرت امیر توی تمام عیدها و شادی‌ها از

همه بیشتر دلمون به یه عید خوش / یعنی با یه عید که خیلی صفا

می‌کنیم و اون عید غدیر / این عید غدیر چند تا ویژگی عمده دارد،

اول این‌که بر پیشانی نورانیش نام مولا ثبت شده، دوم این‌که تمام

تاریخ هزار و چهارصد ساله شیعه توی این روز رقم

می‌خوره و سوم و چهارم و پنجم و... این‌که ما

شیعه‌ها توی این روز مست

می‌شیم مست از

دربار



پلاته پلهم / مجری شاداب با حالتی متفکرانه

شاید باورتون نشه اما اونقدری که این عید در زندگی ما تأثیر داره شاید هیچ اتفاق دیگری نتونه این قدر مسیر زندگی مارو تغییر بده.

از غدیر خم اونچه باقی مونده عشق به ولایت / شاید این تعبیر بد نباشد که بگیم خدا هم تمام بعثت پیامبران رو خصوصاً رسالت حضرت محمد ﷺ رو در گرو این اتفاق قشنگ گذاشته / غدیر حادثه‌ای است که کمال دین در گروه اون یعنی از حضرت آدم تا پیامبر خاتم همه و همه برای اعتلای یک دین الهی کوشش کردند و این دین تنها وقتی کامل می‌شه که تجلی دستان علی در دستان پیامبر آسمان و زمین رو روشن کنه.

خلاصه اون لحظه‌ای که دستان علی آسمون شکافت ۱۲۴ هزار پیامبر ثمره تلاش‌ها و سختی‌هاشون چشیدند و این لحظه چقدر زیبا و دوست داشتنی است.



پلاته ششم / در یک هیئت که در حال مولودی خواندن هستند

و باز هم سید علی مثل همیشه مثل بلبل‌های عاشق می‌خواند: مست از جام اقلای شد دلم

بی‌خود از چشمان ساقی شد دلم ای خدای دیده‌بارانی‌ام

محو در اندیشه‌ای عرفانی‌ام در نگاهم موج دریا می‌شود

شعرهایم وقف مولا می‌شود جام‌های ما اسیر خم اوست

مستی ما از غدیر خم اوست «وال من والا» ست در خم غدیر

عشق ما مولاست در خم غدیر حیدر کرار مست می‌شویم

همچون مالک پای بست می‌شویم ساقی خم غدیری یا علی

دست ما را چون نگیری؟! یا علی یا حق

حنجرش و یک صلوات حیدری بفرسته»

و بچه‌ها مثل غرش یک رعد برق شروع کردن به صلوات فرستادن. یواش یواش ترنم نام نام علی مثل ترانه بارون سقف شیرونی قلب‌هارو نوازش می‌داد.

علی علی / علی علی / علی علی / علی علی /

و سید علی با اون چهره دوست داشتنیش شروع کرد به خوندن:

من ار به قبله رو کنم

به عشق روی او کنم

علی علی / علی علی / علی علی / علی علی /

کمتر صدا شادی بچه‌هارو می‌شنیدم و بیشتر توی حال خودم بودم مگه توی این واژه سه کلمه‌ای چه سری نهفته است که این همه آدم‌رو از خود بی‌خود می‌کنه

نماز بی‌ولای او

عبادت‌ی است بی‌وضو

به منکر علی بگو

نماز خود قضا کند

علی علی / علی علی / علی علی / علی علی /